

The Effectiveness of Quality of Life Therapy (QOLT) on the Academic Resilience and Self-Differentiation in Depressed Girls High School Students

Ezatollah Ghadampour¹, Mahdi Yousefvand^{2*}, Aliasghar Farokhzadian³, Banafsheh Hassanvand⁴, Moslem Yousefvand⁵

1- Associate Professor of Psychology, Department of Psychology, Lorestan University, Khorramabad, Iran

2- PhD student in Educational Psychology, Department of Psychology, Lorestan University, Khorramabad, Iran
(Corresponding Author) Mehdi_yousefvand@yahoo.com

3- Islamic Azad University, Kharazgan Branch, Young and Elite Research Club, Isfahan, Iran

4- Member of faculty of psychology, Payame Noor University (allaShater center)

5- Master's Degree in Educational Management, Kharazmi University, Tehran, Iran

Abstract

Introduction: Depression is one of the most prevalent psychological disorders that is used in many therapeutic approaches to reduce or eliminate its syndrome. One of these therapeutic approaches is the quality of life therapy that has been proposed to treat a variety of depressed patients and its usefulness in some researches has been confirmed.

Aim: The aim of this study was to determine the effectiveness of therapy quality of life (QOLT) to change academic resilience and self-differentiation school students of Khorramabad girl was depressed.

Method: This quasi-experimental study in which the pretest - posttest control group was used. The sample consisted of 40 subjects that depression among female high school students of Khorramabad were selected and randomly assigned to experimental groups (health, quality of life QOLT) and control were handled. Intervention in the experimental group for 8 sessions of 2 hours of quality of life were QOLT treatment. During this period, the control group received no intervention. The data were collected from questionnaires differentiation of self Askvnr and Dundee (1998) and a questionnaire academic resilience Samuel (2004) in the pre-test and post-test for both test and control groups were used. Data were analyzed using analysis of covariance. Data analysis software program (SPSS.21) was performed.

Results: Covariance analysis showed significant differences between the two groups. Results showed that quality of life therapy is effective in increasing differentiation and resiliency of the school.

Conclusion: According to the results, the use of non-medical methods such as quality of life therapy is recommended to improve the level of educational achievement and self-differentiation among students with depression.

Key words: quality of life, educational resilience, self-differentiation, depression

اثربخشی کیفیت زندگی درمانی در تغییر سطح تاب آوری تحصیلی و خودتمایز یافتگی دانش آموزان دختر افسرده

عزت اله قدم پور^۱، مهدی یوسف وند^{۲*}، علی اصغر فرخ زادیان^۳، بنفشه حسنونند^۴، مسلم یوسف وند^۵

۱- دانشیار روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

۲- دانشجوی دکترای روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران (نویسنده مسئول) Mehdi_yousefvand@yahoo.com

۳- دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوارسگان، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، اصفهان، ایران

۴- عضو هیات علمی گروه روانشناسی دانشگاه پیام نور (مرکز الشتر)

۵- دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: افسردگی یکی از اختلالات روانشناختی رو به رشد است که از رویکردهای درمانی مختلفی برای کاهش یا از بین بردن نشانگان آن استفاده می شود. یکی از این رویکردهای درمانی، کیفیت زندگی درمانی است که برای درمان انواع بیماران افسرده مطرح شده و سودمندی آن در برخی از پژوهش ها تأیید شده است.

هدف: هدف اصلی این پژوهش، تعیین میزان اثربخشی کیفیت زندگی درمانی (QOLT) در تغییر سطح تاب آوری تحصیلی و خودتمایز یافتگی دانش آموزان دختر افسرده شهر خرم آباد بود.

روش: این پژوهش به صورت شبه تجربی بود که در آن از طرح پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل استفاده شد. نمونه پژوهش ۴۰ آزمودنی بود که از میان دانش آموزان دختر دبیرستانی دارای افسردگی شهر خرم آباد انتخاب و به صورت تصادفی در گروه های آزمایش (کیفیت زندگی درمانی) و گواه گمارده شدند. در مرحله مداخله گروه آزمایش به مدت ۸ جلسه ۲ ساعته تحت کیفیت زندگی درمانی QOLT قرار گرفتند. در طی این مدت گروه کنترل هیچ نوع مداخله ای دریافت نکرد. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه تجدید نظر شده خود تمایز یافتگی (DSI-R) اسکورون و اسمیت (۲۰۰۳) و پرسش نامه تاب آوری تحصیلی ساموئل (۲۰۰۴) در مراحل پیش آزمون و پس آزمون برای دو گروه آزمایشی و گواه استفاده شد. داده های پژوهش با روش تحلیل کواریانس تجزیه و تحلیل شدند. تحلیل داده ها به کمک نرم افزار (SPSS.21) انجام گرفت.

یافته ها: نتایج تحلیل کواریانس تفاوت معنی داری بین دو گروه نشان داد. یافته ها حاکی از آن بود که کیفیت زندگی درمانی در افزایش خودتمایز یافتگی و تاب آوری تحصیلی اثربخش است.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج بدست آمده، بکارگیری روش های غیردارویی همچون کیفیت زندگی درمانی در بهبود سطح تاب آوری تحصیلی و خودتمایز یافتگی دانش آموزان مبتلا به افسردگی توصیه می شود.

کلید واژه ها: کیفیت زندگی درمانی، تاب آوری تحصیلی، خودتمایز یافتگی، افسردگی

مقدمه

افسردگی^۱ یکی از شایع‌ترین اختلالات روانی است (کامیمورا، نوریان، آسانسک و رواسرانو^۲، ۲۰۱۰) که شیوع رو به رشد آن به یک نگرانی جهانی تبدیل شده و تخمین زده می‌شود که تا سال ۲۰۲۰ به دومین بیماری رایج در دنیا تبدیل شود (کیمبرل، مه‌یر، دی‌بیر، گالیور و موریست^۳، ۲۰۱۴). پژوهش‌گران علوم بهداشت روانی - رفتاری بر این باور هستند که بر طبق آمارهای بین‌المللی ۱۵ درصد از افراد سنین بین ۱۵ تا ۷۴ سال که به پزشکان مراجعه می‌کنند، دارای علائم افسردگی مانند عدم توانایی تفکر، تمرکز، تمایزیافتگی پایین بین خود و دیگران، تصویر بدنی منفی^۴ دارند، دچار تضاد شناختی^۵ می‌شوند، نیاز به کنترل افکار^۶ در آن‌ها دیده می‌شود، احتمال دارد به آسانی دچار حواس‌پرتی^۷ و یا مشکلات حافظه^۸ شوند (توماس، پتی و مور^۹، ۲۰۱۴). و لذا این مقاله از بین نشانگان بالا ما به بررسی دو نشانه خود تمایزیافتگی^{۱۰} و تاب‌آوری تحصیلی^{۱۱} پایین در بیماران افسرده پرداخته‌ایم. تاب‌آوری تحصیلی به صورت خودارزشیابی مثبت از موقعیت آکادمیکی، احساس کنترل بر عملکرد تحصیلی و اعتماد به مهارت‌ها و توانایی‌های شناختی تعریف شده است (گاتمن و شین^{۱۲}، ۲۰۱۳). یکی دیگر از نشانه‌های افسردگی که در این مقاله بر آن تاکید شده است میزان خود تمایزیافتگی است. مفهوم تمایز خود تمایزیافتگی بیانگر میزان توانایی فرد برای تفکر واقع‌بینانه راجع به موضوعات سرشار از عاطفه در

زندگی فردی و خانوادگی می‌باشد (پیلارسکا^{۱۳}، ۲۰۱۶).

بر اساس نظریه بوئن^{۱۴} تمایزیافتگی در دو بعد درون‌روانی و بین‌فردی خود رخ می‌دهد (هافمن، بانزاف، کانسک، درمپول و سینگر^{۱۵}، ۲۰۱۳). افراد تمایزیافته برای تجربه عواطف عمیق، احساس آزادی می‌کنند و دارای قابلیت نظم بخشی به هیجانات بوده، به طور آزادانه به آن‌ها دسترسی دارند، قادرند افکار شخصی خود را شناسایی نموده و ابراز کنند (مرادی، اکبری و دوستی، ۲۰۱۵). فشار سنگین عاطفی، اجتماعی و اقتصادی، برای مبتلایان به اختلال افسردگی از طرف خانواده و اجتماع از یک سو و شیوع فزاینده سالانه ۲/۹ تا ۶/۱۲ درصد در جمعیت عمومی، باعث شده است که توجه به درمان و یا کاهش میزان نشانگان این اختلال در افراد مبتلا بیشتر از گذشته احساس شود (وانگ، سیو، ژیانگ، دانگ، فان، ژانگ، یو، گاوو، شی، ژیانگ، ژیانگ و وی^{۱۶}، ۲۰۱۶). بنابراین باید گفت افسردگی یک عامل پیش‌بین قوی است که باعث آسیب‌هایی مانند تضاد شناختی، نشخوار فکری، واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه من تحریف شده، گریز عاطفی و هم آمیختگی پایین با دیگران می‌شود (پارکر، مک‌کراو و هدری-پاولویک^{۱۷}، ۲۰۱۵).

یافته‌های پژوهشی جدید حاکی از آن است که حتی سطوح خفیف افسردگی با افزایش معنی‌دار تمایزنا یافتگی بین خود و دیگران، واکنش‌پذیری عاطفی پایین، جایگاه من تضعیف شده، گریز عاطفی و هم آمیختگی پایین در دانش‌آموزان همراه است (پلگ و زویی^{۱۸}، ۲۰۱۴). از طرفی مطالعات نشان داده‌اند که

1. Depression
2. Akiko, Nourian, Assasnik & Roa
3. Kimbrel, Meyer, DeBeer, Gulliver & Morissette
4. Negative body image
5. Cognitive conflict
6. Need to control thoughts
7. Distractions
8. Memory problems
8. Thomson, Petty & Moore
10. self - differentiation
11. Academic Resilience
12. Gutmann & Shean

13. Pilarska

14. Boen

15. Hoffmann, Banzhaf, Kanske, Bempohl & Singer

16. Wang, Su, Jiang, Dong, Fan, Zhang, Yu, Gao, Shi, Jiang, Jiang & Wei

17. Parker, McCraw & Hadzi-Pavlovic

18. Peleg & Zoabi

افسردگی در کودکان و دانش‌آموزان از موضوعات مهم در گستره علم روان‌شناختی است. باری، شویتزر و اُبرین^۱ (۲۰۱۴) با بازنگری پژوهش‌ها نشان دادند که بیش از ۲۰ درصد دانش‌آموزان تا ۱۸ سالگی حداقل یک بار به افسردگی بالینی دچار می‌شوند. باری و همکاران (۲۰۱۴) افسردگی دانش‌آموزان را با مشکلاتی همچون ضعف مهارت‌های اجتماعی، گریز عاطفی و تاب‌آوری تحصیلی کاهش یافته مرتبط است. در تبیین علل افسردگی نظریه‌های متفاوتی مطرح شده‌اند. از دیدگاه بالینی، افسردگی نشانگانی است که تحت سلطه خلق افسرده است و بر اساس بیان لفظی یا غیر لفظی عواطف غمگین اضطرابی یا حالت‌های برانگیختگی نشان داده می‌شود (شیموتسو و هوریکاوا^۲، ۲۰۱۴). همچنین در کنار این نشانه‌ها در فرد، نشانه‌های دیگری مثل احساس بی‌ارزشی، تحمل پایین، گریز عاطفی، عدم رابطه با دیگران، کاهش انرژی، اشکال در تفکر یا تصمیم‌گیری، تغییر در اشتها، تغییر وزن و پرخوری افراطی دیده می‌شود (بورتون، ویلیام، کلارک، هاریس، شوفیلد و گات^۳، ۲۰۱۵).

رویکردهای درمانی مختلفی برای کاهش یا از بین بردن افسردگی و نشانگان آن استفاده می‌شود. یکی از این رویکردهای درمانی کیفیت زندگی درمانی^۴ (QOLT) است که برای درمان انواع بیماران افسرده مطرح شده و سودمندی آن در برخی از پژوهش‌ها تأیید شده است. کیفیت زندگی درمانی (QOLT) رویکردی جدید و جامع است که بر جهت‌گیری روان‌شناسی مثبت‌نگر استوار است (کنارد، لیبرمن، ساید و رولف^۵، ۲۰۱۵). علاوه بر این رویکرد روان‌شناختی کیفیت زندگی درمانی (QOLT) در دامنه

نسبتاً وسیعی از اختلالات، از جمله افسردگی مورد مطالعه قرار گرفته و اثربخشی آن مشخص شده است (لی، چن، ژنگ، پانگ، گنگ، هان، ژانگ، ژانگ، ۲۰۱۲). فریش^۷ (۲۰۰۶)، با ترکیب رویکرد شناختی رفتاری آرون تی‌بک و روان‌شناسی مثبت به همراه استفاده از استعاره، تن‌آرامی و مراقبه، کیفیت زندگی درمانی را ارائه داد. کیفیت زندگی درمانی از رویکرد رضایت از زندگی حمایت می‌کند. در این رویکرد، اصول و مهارت‌های معطوف به کمک به مراجعان در شناسایی، دنبال کردن و برآوردن نیازها، اهداف و آرزوها در حوزه‌های با ارزش زندگی آموزش داده می‌شود (موتا و ماتوز^۸، ۲۰۱۲). هدف کیفیت زندگی درمانی (QOLT) افزایش خودمراقبتی حرفه‌ای یا غنای درونی و پیش‌گیری از فرسودگی است (کاراتز و وین^۹، ۲۰۰۷). این رویکرد یک مدل پنج راهه به نام CASIO در زمینه رضایت از زندگی به مثابه طرح و نقش‌های برای کیفیت زندگی و مداخلات روانشناسی مثبت برای مددجویان مشخص می‌کند.

مدل CASIO بر اساس دیدگاه کیم‌ویل و استل-ویل^{۱۰} (۲۰۱۴) برای افزایش رضایت‌مندی و شادی تشکیل شده است از: شرایط عینی یک حوزه یا شرایط زندگی (C). نگرش نسبت به ادراک حوزه‌ها (A). استانداردهایی برای تحقق این حوزه‌ها (S). اهمیتی که برای شادکامی کلی نسبت به یک حوزه قائل می‌شود (I). رضایت‌مندی یک شخص در دیگر حوزه‌های مهم، که فرد فعلاً به آن اهمیت نمی‌دهد (O). سرخط درمان مبتنی بر کیفیت زندگی هفده حوزه اصلی از زندگی است که از توسعه معنویت و خودپنداره شروع تا همسایگان، اجتماع و این که چگونه رضایت از

6. Li, Chen, Zeng, Pang, Gong, Han, Zhang, Zhang, Zhang & Zheng

7. Frisch

8. Mota & Matos

9. Kratz & Weyne

10. Kimweli & Stilweli

1. Burri, Schweitzer & O'Brien

2. Shimotsu & Horikawa

3. Burton, Williams, Clark, Harris, Schofield & Gatt

4. Quality of life therapy

5. Kennard, Lieberman, Saaid & Rolfe

زندگی و شادی را در هر یک از این حوزه‌ها افزایش دهیم، ادامه می‌یابد. این هفده حوزه اصلی که مداخلات بر آن تمرکز پیدا می‌کند، عبارتند: (۱) اهداف، ارزش‌ها و زندگی معنوی، (۲) عزت نفس، (۳) بهداشت و سلامت جسمی، (۴) پول یا استانداردهای زندگی، (۵) کار، (۶) بازی و تفریح؛ (۷) یادگیری، (۸) خلاقیت، (۹) کمک، (۱۰) عشق، (۱۱) دوستان، (۱۲) فرزندان، (۱۳) اقوام و بستگان، (۱۴) همسر، (۱۵) خانه، (۱۶) همسایگان، (۱۷) جامعه. تحقیقات زیادی در این زمینه صورت گرفته و اثربخشی این درمان را نشان داده‌اند. در پژوهشی که عابدی و وستانیس^۱ (۲۰۱۰) به منظور ارزیابی درمان مبتنی بر کیفیت زندگی برای والدین کودکان مبتلا به افسردگی در ایران انجام دادند، ۴۰ نفر از مادران کودکان مبتلا افسردگی به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند و مادران گروه آزمایش در طی ۴ هفته و ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای از مزایای درمان مبتنی بر کیفیت زندگی بهره‌مند شدند. نتایج نشان داد که درمان QOLT باعث کاهش نشانه‌های افسردگی مانند نشخوار فکری، گریز عاطفی، اضطراب و افزایش رضایت کلی خانوادگی و موقعیتی کودکان مبتلا افسردگی شد. همچنین، میزان کیفیت زندگی مادران هم به‌طور کلی افزایش معناداری یافت. از سوی دیگر، پاداش (۱۳۸۹) به بررسی کیفیت زندگی درمانی بر رضایت زناشویی و واکنش‌پذیری عاطفی زنان و مردان متاهل شهر اصفهان پرداخت و نشان داد که کیفیت زندگی درمانی بر رضایت زناشویی زنان و افزایش میزان واکنش‌پذیری عاطفی مردان و زنان متاهل مؤثر بوده است.

در پژوهشی نورث‌مور - بال و ایونز^۲ (۲۰۱۶) با عنوان بررسی اثربخشی درمان مبتنی بر کیفیت زندگی

بر تاب‌آوری تحصیلی دانش‌جویان انجام گرفت به این نتیجه رسید که درمان مبتنی بر کیفیت زندگی، میزان تاب‌آوری تحصیلی آزمودنی‌ها را در هر دو مرحله پس‌آزمون و پیگیری افزایش داده است. رودریگو، ماهر و ویدوز^۳ (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان مداخله روان‌شناختی به روش کیفیت زندگی درمانی به منظور بهبود کیفیت زندگی و سطح خود تمایزیافتگی در بزرگسالان افسرده پرداختند. نتایج بیانگر آن بود که افراد گروه QOLT نمره‌های بیشتری در مقیاس کیفیت زندگی و سطح خود تمایزیافتگی به دست آوردند. یکی از بررسی‌های مهم در زمینه درمان افسردگی و نشانگان آن به روش QOLT توسط پاترا^۴ (۲۰۱۶) صورت گرفت. او به بررسی افسردگی و عوامل همراه در دانش‌آموزان دبیرستانی پرداخت. نتایج نشان داد که ۷۳ درصد دانش‌آموزان دختر و ۵۸ درصد دانش‌آموزان پسر دارای اختلال افسردگی هستند. از دیگر یافته‌های این مطالعه این بود که درمان QOLT به طور معنی‌داری باعث افزایش میزان خود تمایزیافتگی در دانش‌آموزان دختر و پسر شده است. موسک و گیلون^۵ (۲۰۱۶) در مطالعه خود نشان دادند که زندگی درمانی به طور معنی‌داری باعث افزایش سطح تاب‌آوری تحصیلی دانش‌جویان افسرده نسبت به گروه کنترل می‌شود. استراین، وینکنز، تافت، پدرسن، براور، ویزر و لاتن ماک^۶ (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای با عنوان مقایسه اثربخشی درمان شناختی-رفتاری و درمان QOLT بر کاهش نشانگان افسردگی دانش‌آموزان دختر نشان دادند که درمان QOLT باعث افزایش میزان تاب‌آوری و کاهش باورهای منفی دانش‌آموزان دختر افسرده می‌شود.

3 . Rodrigue, Moher & Widows

4 . Patra

5 . Mosek & Gilboa

6 . Strien, Winkens, Toft, Pedersen, Brouwer, Visser & Lahteenmaki

1. Abedi & Vostanis

2 . Northmore-Ball & Evans

شود. هانگ، لی، چن، چیانگ، چن و هانگ^۱ (۲۰۱۶) در مطالعه خود نشان دادند که بهترین راهکار درمانی برای افزایش میزان تاب آوری تحصیلی دانش آموزان مبتلا به افسردگی شدید رویکرد درمان QOLT هست. از نتایج دیگر این مطالعه این بود که درمان QOLT به طور معنی داری باعث افزایش میزان تاب آوری تحصیلی دانش آموزان افسرده نمی شود. با توجه به نتایج پژوهش های انجام شده، به نظر می رسد روش درمانی QOLT در درمان افسردگی و کاهش نشانگان این اختلال مؤثر باشد. بنابراین پژوهش حاضر در صدد بررسی اثربخشی درمان QOLT در تغییر سطح تاب آوری تحصیلی و خود تمایزیافتگی دانش آموزان دختر افسرده است.

روش

روش اجرا: ابتدا هماهنگی های لازم و مکاتبات اداری با آموزش و پرورش مرکز خرم آباد انجام گرفت سپس با مراجعه به مدارس، مدیران و دبیران توجیه شدند. در مرحله اول، ۶۰۰ دانش آموز دختر از بین مدارس دخترانه مقطع متوسطه دوم شهر خرم آباد به صورت تصادفی خوشه ای انتخاب شد. سپس دانش آموزانی که نمره بالایی (نقطه برش ۱۰) در مقیاس افسردگی روانی کسب کردند، شناسایی و مورد مصاحبه بالینی (طبق ملاک های راهنمای تشخیصی آماری نسخه چهارم) قرار گرفتند. آزمودنی های دارای افسردگی به صورت تصادفی به دو گروه به شرح زیر گمارده شدند: ۲۰ نفر برای رفتار درمانی دیالکتیکی (گروه آزمایش) و ۲۰ نفر برای لیست

انتظار (گروه گواه). سپس هر دو گروه در مرحله پیش آزمون مقیاس تاب آوری تحصیلی و خودتمایزیافتگی را تکمیل کردند. دو هفته پس از درمان مجدداً از آزمودنی های دو گروه پس آزمون به عمل آمد و سرانجام داده های حاصله با روش های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. ملاک های شمول عبارت بودند از: دبیرستانی بودن، عدم مصرف داروهای روان گردان، عدم ابتلا به اختلالات روانی و شخصیتی (با مصاحبه بالینی)، نداشتن بیماری های حاد و مزمن جسمی، عدم شرکت همزمان در سایر برنامه های درمانی و عدم دریافت مشاوره فردی یا دارو درمانی. ملاک های خروج عبارت بودند از: ابتلا به اختلالات روانی و شخصیتی (با مصاحبه بالینی)، داشتن بیماری های حاد و مزمن جسمی، مصرف داروهای روان گردان، شرکت همزمان در سایر برنامه های درمانی، و دریافت مشاوره فردی یا دارو درمانی. لازم به ذکر است افرادی که در لیست انتظار بودند بعد از انجام پژوهش به صورت داوطلبانه تحت درمان قرار گرفتند.

ابزار: الف) پرسش نامه تاب آوری تحصیلی: پرسش نامه تاب آوری تحصیلی توسط ساموئل در سال ۲۰۰۴ ساخته شد و در دو مطالعه مناسب بودن آن تأیید شد. سپس با گسترش مطالب، در سال ۲۰۰۹ به چاپ رسید. نسخه نهایی این پرسش نامه شامل ۴۱ سؤال است که از شرکت کنندگان خواسته می شود تا میزان تاب آوری تحصیلی خود را بر روی یک مقیاس ۵ درجه ای لیکرت از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) درجه بندی کنند. سوالات ستاره دار در پرسش نامه معکوس نمره گذاری می شوند. این مقیاس دارای سه مولفه می باشد. این مولفه ها عبارتند از مهارت های ارتباطی، جهت گیری آینده و مسئله محور و مثبت نگر. روایی بیرونی و روایی سازه این مقیاس را مارتین (۲۰۰۳)

1. Hung, Li, Chen, Chiang, Chen & Hung

تأیید کرده است. همچنین ضرایب پایایی آلفای کرونباخ اختصاصاً در هر بار حذف آیت‌ها از ۰/۸۵ تا ۰/۸۸ گزارش شده است. پایایی و روایی این مقیاس را هاشمی (۱۳۹۰) تأیید کرده است.

ب) پرسشنامه تجدید نظر شده خود تمایز یافتگی (DSI-R) اسکورون و اسمیت (۲۰۰۳): یک ابزار ۴۶ سوالی است که توسط اسکورون و اسمیت (۲۰۰۳) برای سنجش تمایز یافتگی افراد از خانواده اصلی ساخته شده است. این پرسش‌نامه دارای ۴ خرده مقیاس واکنش-پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم-آمیختگی با دیگران می‌باشد. پرسش‌نامه تمایز یافتگی خود در ایران توسط اسکیان (۱۳۸۴) هنجاریابی شده است. این پرسش‌نامه با مقیاس لیکرت درجه‌بندی شده است. پایایی این ابزار از طریق آلفای کرونباخ توسط

اسکورون برای این ابزار ۰/۸۸ به دست آمد. در پژوهش اسکیان (۱۳۸۴) ضریب آلفای کرونباخ برای بررسی پایایی ۰/۸۱ به دست آمد (ثنایی، ۱۳۸۷). پایایی پرسش‌نامه در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۱ محاسبه شد. نقطه برش این پرسش‌نامه به چهار بخش تقسیم می‌شود؛ ۱) بین ۰ تا ۲۵، افرادی که برای خوشحال کردن دیگران تلاش می‌کنند، ۲) بین ۲۵ تا ۵۰، زندگی این افراد تابع سیستم عاطفی محیط واکنش به سایرین شکل می‌گیرد، ۳) بین ۵۰ تا ۷۵، فکر افراد در این سطح به اندازه کافی رشد کرده است، ۴) بین ۷۵ تا ۱۰۰، افرادی که به طور خودکار افکارشان را از احساسشان جدا می‌کنند.

ج) پروتکل کیفیت زندگی درمانی

جلسه	محتوای درمان
اول	برقراری ارتباط و معرفی اعضا، بیان قواعد گروه، اهداف و معرفی دوره آموزشی، گرفتن تعهد از شرکت کنندگان برای حضور در جلسات، معرفی و بحث پیرامون کیفیت زندگی، تاب‌آوری تحصیلی و خودتمایز یافتگی
دوم	مروری بر بحث جلسه قبل، تعریف کیفیت زندگی درمانی، معرفی ابعاد کیفیت زندگی، معرفی حیطه‌های شانزده‌گانه زندگی که کیفیت کلی زندگی فرد را تشکیل می‌دهند، کشف موارد مشکل آفرین اعضا، خلاصه بحث، ارائه بازخورد
سوم	مروری بر بحث جلسه قبل، معرفی CASIO به عنوان پنج ریشه، شروع کردن با یکی از ابعاد، معرفی C به عنوان راهبرد اول و کاربرد آن در ابعاد شانزده‌گانه کیفیت زندگی
چهارم	مروری بر بحث جلسه قبل، بحث پیرامون CASIO، معرفی A به عنوان استراتژی دوم در ابعاد شانزده‌گانه کیفیت
پنجم	مروری بر بحث جلسه قبل، بحث پیرامون CASIO، معرفی S به عنوان استراتژی سوم برای افزایش کیفیت زندگی
ششم	مروری بر بحث جلسه قبل، بحث پیرامون اصول مربوط به کیفیت زندگی، معرفی I به عنوان استراتژی چهارم و کاربرد این اصل برای افزایش رضایت
هفتم	مروری بر بحث جلسه قبل، ادامه بحث درباره اصول، بحث درباره حیطه روابط و کاربرد اصول مهم در حیطه روابط، معرفی O به عنوان استراتژی پنجم
هشتم	ارائه خلاصه‌ای از مطالب عنوان شده در جلسات قبل، جمع‌بندی و آموزش

طرح پژوهش: این پژوهش به صورت شبه تجربی بود که در آن از طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه استفاده شد. در این پژوهش درمان به عنوان متغیر مستقل محسوب می‌شود که سطوح آن روش کیفیت زندگی درمانی و عدم مداخله است. متغیرهای

تاب‌آوری تحصیلی و خودتمایز یافتگی به عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته شده‌اند. روش تجزیه و تحلیل: در پژوهش حاضر از روش‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون لون، تحلیل واریانس یک راهه،

تحلیل کوواریانس تک متغیری و تحلیل کواریانس چند متغیری) استفاده شده است.

یافته‌ها

میانگین و انحراف معیار سنی به ترتیب ۱۷/۲۹۱۲ و ۰/۶۱ با دامنه ۱۵ تا ۱۸ سال بود. بین دو گروه

آزمایش و گواه ازلحاظ متغیرهای سن، پایه و رشته تحصیلی تفاوت معنی داری وجود نداشت. در جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد نمرات متغیرها در پس آزمون و پیش آزمون گروه‌های آزمایش و گواه ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد گروه‌های آزمایش و گواه در متغیرهای مورد مطالعه به تفکیک پیش آزمون و پس آزمون

گروه	گواه	آزمایش						
موقعیت	پیش آزمون	پس آزمون	پیش آزمون	پس آزمون	پیش آزمون	پس آزمون	پیش آزمون	پس آزمون
متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
خود تمایز یافتگی	واکنش پذیری عاطفی	۲۲/۳۲	۵/۵۲	۲۳/۶۹	۴/۶۳	۲۱/۴۱	۵/۹۵	۳۰/۶۲
	جایگاه من	۲۰/۴۶	۶/۵۲	۱۹/۳۱	۵/۴۳	۱۹/۵۷	۵/۶۹	۳۱/۵۳
	گریز عاطفی	۱۷/۳۴	۴/۲۵	۱۶/۲۱	۴/۱۵	۱۷/۷۲	۵/۶۳	۱۱/۹۷
	هم آمیختگی با دیگران	۱۴/۱۳	۳/۵۴	۱۵/۹۱	۴/۶۵	۱۵/۷۴	۴/۵۲	۱۱/۵۹
تاب آوری تحصیلی	۱۱۹/۴۵	۱۹/۵۶	۱۲۱/۵۸	۲۱/۸۴	۱۲۰/۶۵	۱۸/۱۵	۱۷۹/۱۸	۵/۹۶

بر اساس یافته‌های جدول ۱ میانگین کل و انحراف معیار گروه گواه در پیش آزمون به ترتیب برای متغیرهای خود تمایز یافتگی (واکنش پذیری عاطفی، ۲۲/۳۲ و ۵/۵۲؛ جایگاه من، ۲۰/۴۶، ۶/۵۲؛ گریز عاطفی، ۱۷/۳۴ و ۴/۲۵ و هم آمیختگی با دیگران، ۱۴/۱۳ و ۳/۵۴) و تاب آوری تحصیلی (۱۱۹/۴۵ و ۱۹/۵۶) می باشد. میانگین کل و انحراف معیار گروه آزمایش در پیش آزمون به ترتیب برای متغیرهای خود

تمایز یافتگی (واکنش پذیری عاطفی، ۲۱/۴۱ و ۵/۹۵؛ جایگاه من، ۱۹/۵۷، ۵/۶۹؛ گریز عاطفی، ۱۷/۷۲ و ۵/۶۳ و هم آمیختگی با دیگران، ۱۵/۷۴ و ۴/۵۲) و تاب آوری تحصیلی (۱۲۰/۶۵ و

۱۸/۱۵) می باشد. میانگین کل و انحراف معیار گروه گواه در پس آزمون به ترتیب برای متغیرهای خود تمایز یافتگی (واکنش پذیری عاطفی، ۲۳/۶۹ و ۴/۶۳؛ جایگاه من، ۱۹/۳۱، ۵/۴۳؛ گریز عاطفی، ۱۶/۲۱ و ۴/۱۵ و هم آمیختگی با دیگران، ۱۵/۹۱ و ۴/۶۵) و تاب آوری تحصیلی (۱۲۱/۵۸ و ۲۱/۸۴) می باشد. میانگین کل و انحراف معیار گروه آزمایش در پس آزمون به ترتیب برای متغیرهای خود تمایز یافتگی (واکنش پذیری عاطفی، ۳۰/۶۲ و ۳/۳۱؛ جایگاه من، ۳۱/۵۳، ۳/۹۵؛ گریز عاطفی، ۱۱/۹۷ و ۳/۹۶ و هم آمیختگی با دیگران، ۱۱/۵۹ و ۲/۵۴) و تاب آوری تحصیلی (۱۷۹/۱۸ و ۵/۹۶) می باشد.

جدول ۲: تحلیل واریانس یک راهه (ANOVA) به منظور تجزیه و تحلیل تفاوت‌های بین میانگین‌های گروه‌های آزمایش و کنترل

متغیرها	منابع تغییر	SS	df	MS	F	سطح معناداری
واکنش‌پذیری عاطفی	بین گروهی	۸۷/۰۵	۱	۴۳/۵۲		
	درون گروهی	۱۳۴۱۵/۶۱	۳۸	۲۱۲/۹۴	۰/۲۰۴	۰/۸۱
	کل	۱۳۵۰۲/۶۶	۳۹	-		
جایگاه من	بین گروهی	۲۰/۴۱	۱	۱۰/۲۰		
	درون گروهی	۱۰۰۴۳/۹۵	۳۸	۱۵۹/۴۲	۰/۰۶۴	۰/۹۳
	کل	۱۰۰۶۴/۳۶	۳۹	-		
گریز عاطفی	بین گروهی	۱۸۹/۵۳	۱	۹۴/۷۶		
	درون گروهی	۲۵۶۶/۰۶	۳۸	۴۰/۷۳	۲/۳۷	۰/۱۰
	کل	۲۷۵۵/۵۹	۳۹	-		
هم‌آمیختگی با دیگران	بین گروهی	۸۵/۹۰	۱	۴۲/۹۵		
	درون گروهی	۱۳۱۰/۲۱	۳۸	۲۰/۷۹	۲/۰۶	۰/۱۳
	کل	۱۳۹۶/۱۲	۳۹	-		
تاب‌آوری تحصیلی	بین گروهی	۵۱۶/۸۱	۱	۲۵۸/۴۰		
	درون گروهی	۴۹۱۰/۲۷	۳۸	۷۷/۹۴	۳/۳۱	۰/۰۷
	کل	۵۴۲۷/۰۹	۳۹	-		

* $p < ۰/۰۵$

کواریانس چندمتغیری نیز نشان داد که ترکیب خطی متغیرهای مورد مطالعه با توجه به تعلق گروهی تفاوت معنی‌داری دارند ($P < ۰/۰۰۱$)، $F = ۱۹/۳۱$ و $\lambda = ۰/۰۵۳$ (لامبدای ویکلز). برای مشخص شدن این که از لحاظ کدام متغیر بین دو گروه تفاوت وجود دارد، تحلیل‌های کواریانس یک متغیری انجام گرفت.

بر اساس مندرجات جدول ۲، با محاسبه F و با $\alpha = ۰/۰۵$ مشخص شد که تفاوت‌های اولیه بین دو گروه در پیش‌آزمون متغیر واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی، هم‌آمیختگی با دیگران و تاب‌آوری تحصیلی معنی‌دار نیست. نتایج آزمون لون برای برابری واریانس‌ها نشان داد که در تمام متغیرهای مورد مطالعه تساوی واریانس‌ها برقرار بود. نتایج تحلیل

جدول ۳: نتایج تحلیل کواریانس یک متغیری واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی، هم‌آمیختگی با دیگران و تاب‌آوری تحصیلی

منبع / شاخص	SS	df	F	P	اندازه اثر	توان آماری
واکنش‌پذیری عاطفی	۸۷/۰۵	۱	۲۱/۹۶	۰/۰۰۱	۰/۴۱	۹۵
جایگاه من	۲۴۸/۱۳	۱	۲۷/۸۴	۰/۰۰۱	۰/۵۳	۹۹
گریز عاطفی	۱۴۹/۶۹	۱	۱۸/۵۱	۰/۰۰۱	۰/۳۹	۹۹/۵
هم‌آمیختگی با دیگران	۲۳۲/۸۱	۱	۳۱/۱۹	۰/۰۰۱	۰/۶۱	۹۹
تاب‌آوری تحصیلی	۱۹۲/۶۳	۱	۲۶/۵۸	۰/۰۰۱	۰/۴۹	۹۹/۵

با توجه به یافته‌های جدول ۳ نتایج تحلیل کواریانس یک متغیری نشان داد که: بین دانش-آموزان دختر مبتلا به افسردگی در دو گروه آزمایش و گواه از نظر واکنش‌پذیری عاطفی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($F=21/96$, $P<0/001$) به عبارت دیگر، درمان دیالکتیکی باعث افزایش واکنش-پذیری عاطفی آزمودنی‌های گروه آزمایش نسبت به گروه گواه در مرحله پس‌آزمون شده است. تأثیر این مداخله درمانی بر افزایش واکنش‌پذیری عاطفی ۴۱٪ است. یعنی ۴۱ درصد نمرات کل واریانس باقیمانده مربوط به تأثیر مداخله درمانی است. توان آماری ۹۵ درصد هم حاکی از دقت آماری بالا می-باشد؛ بین دانش‌آموزان دختر مبتلا به افسردگی در دو گروه آزمایش و گواه از نظر جایگاه من تفاوت معنی-داری وجود دارد ($F=27/84$, $P<0/001$) به عبارت دیگر، درمان دیالکتیکی باعث افزایش درک جایگاه من آزمودنی‌های گروه آزمایش نسبت به گروه گواه در مرحله پس‌آزمون شده است. تأثیر این مداخله درمانی بر افزایش درک جایگاه من ۵۳٪ است. یعنی ۵۳ درصد نمرات کل واریانس باقیمانده مربوط به تأثیر مداخله درمانی است. توان آماری ۹۹ درصد هم حاکی از دقت آماری بالا می‌باشد؛ بین دانش‌آموزان دختر مبتلا به افسردگی در دو گروه آزمایش و گواه از نظر گریز عاطفی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($F=18/51$, $P<0/001$) به عبارت دیگر، درمان دیالکتیکی باعث کاهش گریز عاطفی آزمودنی‌های گروه آزمایش نسبت به گروه گواه در مرحله پس‌آزمون شده است. تأثیر این مداخله درمانی بر کاهش گریز عاطفی ۳۹٪ است. یعنی ۳۹ درصد نمرات کل واریانس باقیمانده مربوط به تأثیر مداخله درمانی است. توان آماری ۹۹/۵ درصد هم حاکی از دقت آماری بالا می‌باشد؛ بین دانش-

آموزان دختر مبتلا به افسردگی در دو گروه آزمایش و گواه از نظر هم‌آمیختگی با دیگران تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($F=31/19$, $P<0/001$) به عبارت دیگر، درمان دیالکتیکی باعث افزایش هم‌آمیختگی با دیگران آزمودنی‌های گروه آزمایش نسبت به گروه گواه در مرحله پس‌آزمون شده است. تأثیر این مداخله درمانی بر افزایش هم‌آمیختگی با دیگران ۶۱٪ است. یعنی ۶۱ درصد نمرات کل واریانس باقیمانده مربوط به تأثیر مداخله درمانی است. توان آماری ۹۹ درصد هم حاکی از دقت آماری بالا می‌باشد؛ بین دانش‌آموزان دختر مبتلا به افسردگی در دو گروه آزمایش و گواه از نظر تاب‌آوری تحصیلی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($F=129/24$, $P<0/001$) به عبارت دیگر، درمان دیالکتیکی باعث افزایش تاب‌آوری تحصیلی آزمودنی‌های گروه آزمایش نسبت به گروه گواه در مرحله پس‌آزمون شده است. تأثیر این مداخله درمانی بر افزایش تاب‌آوری تحصیلی ۶۵٪ است. یعنی ۶۵ درصد نمرات کل واریانس باقیمانده مربوط به تأثیر مداخله درمانی است. توان آماری ۹۹/۹۵ درصد هم حاکی از دقت آماری بالا می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی کیفیت زندگی درمانی (QOLT) در تغییر سطح تاب‌آوری تحصیلی و خود-تمایز یافتگی دانش‌آموزان دختر افسرده انجام شده است.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که کیفیت زندگی درمانی باعث افزایش میزان خودتمایز یافتگی (افزایش در میزان واکنش‌پذیری عاطفی، درک جایگاه من و هم‌آمیختگی با دیگران و کاهش میزان گریز عاطفی) گروه آزمایش نسبت به گروه گواه شده

است. به عبارت دیگر میزان خودتمایز یافتگی در افرادی که در جلسات کیفیت زندگی درمانی شرکت کرده بودند در مقایسه با گروه گواه افزایش معنی‌داری داشته است. این یافته با نتایج مطالعات وستانیس گران (۲۰۱۰)، سالکد و هاینان (۱۹۹۵)، پاداش (۱۳۸۹)، رودریگو، ماهر و ویدوز (۲۰۱۰) و پاترا (۲۰۱۶) همسو است. یافته‌های پژوهش حاضر همچنین نشان داد که کیفیت زندگی درمانی باعث افزایش میزان تاب‌آوری تحصیلی گروه آزمایش نسبت به گروه گواه شده است. به عبارت دیگر میزان تاب‌آوری تحصیلی در افرادی که در جلسات کیفیت زندگی درمانی شرکت کرده بودند در مقایسه با گروه گواه افزایش معنی‌داری داشته است. این یافته با نتایج مطالعات طغیانی (۱۳۹۰)، نورث‌مور - بال و ایونز (۲۰۱۶)، موسک و گیلون (۲۰۱۶) و هانگ، لی، چن، چیانگ، چن و هانگ (۲۰۱۶) همسو است.

از دلایل تبیین این یافته‌ها این است که کیفیت زندگی درمانی از طریق راهبردهایی چون شناسایی هیجانات منفی و نحوه مقابله با آن‌ها، و برنامه‌های درمانی اختلال افسردگی که شامل راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌محور از قبیل ارائه پاسخ‌های هیجانی مناسب در برابر اضطراب، افسردگی، گریز عاطفی، گریز از دیگران، جایگاه من تضعیف شده و خیال‌پردازی برای تعدیل موقعیت استفاده می‌شود، موجب افزایش هم‌آمیختگی بادیگران و واکنش‌پذیری عاطفی می‌گردد. از طرف دیگر، این یافته‌ها را می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که خودتمایز یافتگی پایین با افسردگی روانی ارتباط قوی داشته و افراد دارای خودتمایز یافتگی پایین، احتمال بیشتری دارد که به افسردگی روانی مبتلا شوند. لذا این روش با افزایش تسلط و توانمندی افراد مبتلا، می‌تواند در ارتقاء میزان خودتمایز یافتگی

آنان مؤثر باشد. همچنین در این روش به چگونگی ادراکات فرد از توانایی تغییر رفتار، سطح انگیزتگی، الگوهای فکری و واکنش‌های احساسی پرداخته می‌شود و از خودتمایز یافتگی به عنوان عامل اثرگذار بر پذیرش، حفظ و تغییر هیجان مرتبط با دامنه وسیعی از رفتارهای مورد نیاز در کاهش افسردگی استفاده می‌شود.

از دلایل دیگر تبیین یافته‌های این مطالعه این است که چون در روش درمانی مبتنی بر کیفیت زندگی درمانی به بررسی ابعاد مختلف زندگی فرد، خواسته‌ها، مشکلات پیش‌رو، نحوه غلبه بر مشکلات پرداخته می‌شود افراد افسرده می‌توانند از این راه آگاهی خود را بالا برده و شناخت بهتری از مشکلات خود داشته باشند و لذا همین عامل باعث می‌شود که افراد تاب‌آوری بالاتری را به دلیل شناخت بیشتر نسبت به مشکلات و راه‌حل‌های غلبه بر این مشکلات داشته باشند. همانطور که می‌دانید، افراد افسرده تاب‌آوری تحصیلی و خودتمایز یافتگی پایینی دارند. هدف در درمان مبتنی بر بهبود کیفیت زندگی این است که مهارت‌ها و آگاهی‌ها افزایش یابد و مراجعان اراده خود را در مورد جنبه‌هایی از خودتمایز یافتگی که قابل تغییر است، تقویت کنند؛ به طوری که به درک جایگاه من، هم‌آمیختگی بادیگران، واکنش‌پذیری عاطفی و موفقیت بیشتر دست یابند. در این رویکرد اصول و مهارت‌های معطوف به کمک به مراجعین در شناسایی، دنبال کردن و برآوردن نیازها، اهداف و آرزوها در حوزه‌های با ارزش تحصیلی آموزش داده می‌شود. از دلایل دیگر برای تبیین این یافته‌ها این است که باید گفت یکی از خصوصیات بارز افراد افسرده خلق پایین و تحمل کم در برابر مشکلات و سختی‌های تحصیلی و نداشتن احساس خوب از خود و محیط دانشگاه است. نظریه کیفیت زندگی بر این فرض استوار است که مراجعانی

آوردن انتظارات و توقعات است و همین احساس خوب باعث می شود که افراد سطح تحملشان بالاتر رفته و بتوانند با مشکلات تحصیلی به صورت بهتر و مثبت تر برخورد کنند.

که تاب آوری خود را به حداکثر می رسانند، فواید بیشماری را به دست می آورند. احساس خوب داشتن خود تقویت کننده است و یکی از خدمات بزرگ این درمان، ایجاد احساس خوب در افراد از طریق پایین

References

1. A. Atalia Mosek, R. Ben-Dori Gilboa(2016). Integrating art in lief therapy psychodynamic-narrative group work to promote the resilience of caring professionals. *The Arts in Psychotherapy*, Volume 51, November 2016, Pages 19.
2. Abedi, M. R., & Vostanis, P. (2010). Evaluation of quality of life therapy for parents of children with obsessivecompulsive disorders in Iran. *European Child & Adolescent Psychiatry*. 19 (7), 605-13.
3. Akiko Kamimura, Maziar M. Nourian, Nushean Assasnik, Kathy Franchek Roa.(2010). Depression and intimate partner violence among college students in Iran. *Asian Journal of Psychiatry*, Volume 23, October 2010, Pages 51-55.
4. Aleksandra Pilarska(2016). How do self-concept differentiation and self-concept clarity interrelate in predicting sense of personal identity? *Personality and Individual Differences*, Volume 102, November 2016, Pages 85-89.
5. Andrea Burri, Robert Schweitzer, Jessica O'Brien (2014). Correlates of Female Sexual Functioning: Adult Attachment and Differentiation of Self. *The Journal of Sexual Medicine*, Volume 11, Issue 9, September 2014, Pages 2188-2195.
6. Catarina Pinheiro Mota, Paula Mena Matos (2016). Does sibling relationship matter to self-concept and resilience in adolescents under residential care? *Review*, Volume 56, September 2012, Pages 97-106.
7. Elliot J. Kennard, Jacob Lieberman, Arjmand Saaid, Kerstin J. Rolfe (2015). Preliminary Comparison of

- Laryngeal Manipulation and Postural Treatment on Voice Quality in a Prospective Randomized Crossover Study. *Journal of Voice*, Volume 29, Issue 6, November 2015, Pages 751-754
- Big Five personality traits in the occurrence and repetition of nonsuicidal self-injury among adolescents: The mediating effects of depressive symptoms *Original Research Article Personality and Individual Differences*, Volume 101, October 2016, Pages 227-231.
8. Ferdinand Hoffmann, Christian Banzhaf, Philipp Kanske, Felix Bempohl, Tania Singer(2013). Where the depressed mind wanders: Self-generated thought patterns as assessed through experience sampling as a state marker of depression. *Journal of Affective Disorders*, Volume 198, 1 July 2013, Pages 127-134.
9. Frisch, MI, B. (2006). *Quality of life therapy*. New Jersey: John Wiley & Sons Press.
10. G. Parker, S. McCraw, D. Hadzi-Pavlovic (2015). The utility of a classificatory decision tree approach to assist clinical differentiation of melancholic and non-melancholic depression. *Journal of Affective Disorders*, Volume 180, 15 July 2015, Pages 148-153
11. Grant, G.M, Salced, V., Hynan L.S, et al. (1995). Effectiveness of quality of life therapy for depression. *Psychological Report*, 1203-8.
12. Gutman, T. M. Shean, F.T (2012). *Increasing Resilience in Adolescent Nursing Students*. Unpublished Doctoral dissertation. The University of Tennessee, Knoxville
13. Hashemi Sheikh Shabani, I. (2011). *Investigating the Relationship Between Some Important Presentations and Related*

to Educational Self-Correlation and its Relationship with the Outcomes in the First-Year-Old High School Students of Ahwaz. thesis.

14. Jianing You, Min-Pei Lin, Sian Xu, Wei-Hsuan Hu Q. Wang, X. Su, X. Jiang, X. Dong, Y. Fan, J. Zhang, C. Yu, W. Gao, S. Shi, J. Jiang, W. Jiang, T. Wei(2016).iTRAQ technology-based identification of human peripheral serum proteins associated with depression. *Neuroscience*, Volume 330, 25 August 2016, Pages 291-325.

15. Karen L.O. Burton, Leanne M. Williams, C. Richard Clark, Anthony Harris, Peter R. Schofield, Justine M. Gatt(2015). Sex differences in the shared genetics of dimensions of self-reported depression and anxiety. *Journal of Affective Disorders*, Volume 188, 1 December 2015, Pages 35-42.

16. Kimweli D. M.S; stilweli, W.E. (2014). Community subjective well-being personality traits and quality of life therapy. *Social Indicators research*, 60, 1.

17. Kratz, F & Weyne, B. (2007). Manicsymptoms and quality of life in bipolar disorder.

18. Ksenia Northmore-Ball, Geoffrey Evan (2016). Secularization versus religious revival in Eastern Europe: Church institutional resilience, state repression and divergent paths. *Social Science Research*, Volume 57, May 2016, Pages 31-48.

19. Mahnaz Moradi, Tayebah Akbari, Manzieh Dausti(2015). Relation between Early Maladaptive Schemas and Self differentiation in Referrals to Welfare Centers. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Volume 185, 13 May 2015, Pages 294-300

20. Martin V. C. (2003). Academi resilius Goal theory, motivation, and school achievement: An Integrative Review. *Annual Review of*

21. Nathan A. Kimbrel, Eric C. Meyer, Bryann B. DeBeer, Suzy B. Gulliver, Sandra B. Morissette. (2014). A 12-Month

prospective study of the effects of PTSD depression comorbidity on suicidal behavior in Iraq/Afghanistan-era veterans. *Psychiatry Research*, Volume 243, 30 September 2014, Pages 97-99.

22. Ning Li, Gong Chen, Ping Zeng, Jing Pang, Huan Gong, Yiwen Han, Yan Zhang, Enyi Zhang, Tiemei Zhang, Xiaoying Zheng (2012). Prevalence of depression and its associated factors among Chinese elderly people: A comparison study between community-based population and hospitalized population. *Psychiatry Research*, Volume 243, 30 September 2012, Pages 87-91.

23. Oliver P. Thomson, Nicola J. Petty, Ann P. Moore(2014).Diagnostic reasoning in osteopathy – A qualitative study. *International Journal of Osteopathic Medicine*, Volume 17, Issue 2, June 2014, Pages 83-93.

24. Ora Peleg, Chen Deutch, Orrie Dan (2016). Test anxiety among female college students and its relation to perceived parental academic expectations and differentiation of self. *Learning and Individual Differences*, Volume 49, July 2016, Pages 428-436.

25. Ora Peleg, Maissara Zoabi (2014). Social anxiety and differentiation of self: A comparison of Jewish and Arab college students. *Personality and Individual Differences*, Volume 68, October 2014, Pages 221-228.

26. Padash, Z. (2009). Efficacy of quality of life based therapy on spouses marital satisfaction in Isfahan. Thesis of MA in Consultation, Isfahan University.

27. Richardson, S. T. (1990). Adolescents Resilience, family adversity and wellbeing among Hawaiian and non Hawaiian adolescents. *International Journal of Social Psychiatry*, 52, (291).

28. Rodrigue, J. R., Moher, A. B., & Widows, M.R. (2006). A randomized evaluation of quality of life therapy with patients awaiting lung transplantation. *American Journal of Transplantation*, 5 (10): 2425-2432.

29. Ryan J. Lackner, David M. Fresco (2016). Interaction effect of brooding rumination and interoceptive awareness on depression and anxiety symptoms. *Behaviour Research and Therapy*, Volume 85, October 2016, Pages 43-52.
30. Sakie Shimotsu, Naoshi Horikawa (2014). Self-stigma in depressive patients: Association of cognitive schemata, depression, and self-esteem. *Asian Journal of Psychiatry*, Volume 24, December 2014, Pages 125-129.
31. Sanei, B. (2007). Family and marriage measurement scales. Tehran: Besat Publications.
32. Shan Hung, Min-Shan Li, Yen-Lin Chen, Jung-Hsien Chiang, Ying-Yeh Chen, Galen Chin-Lun Hung (2016). Smartphone-based ecological momentary assessment for Chinese patients with depression: An exploratory study in Taiwan. *Asian Journal of Psychiatry*, Volume 23, October 2016, Pages 131-136.
33. Skian, p. (2004). The effect of psychodrama on the increase of differentiation of the individual from the main family in high school girl students in district 5 of Tehran. MSc Thesis, Tehran Teacher Training University.
34. Suravi Patra (2016). Return of the psychedelics: Psilocybin for treatment resistant depression. *Asian Journal of Psychiatry*, Volume 24, December 2016, Pages 51-52.
35. Tatjana van Strien, Laura Winkens, Madeleine Broman Toft, Susanne Pedersen, Ingeborg Brouwer, Marjolein Visser, Liisa Lähteenmäki (2016). The mediation effect of emotional eating between depression and body mass index in the two European countries Denmark and Spain. *Appetite*, Volume 105, 1 October 2016, Pages 500-508.
36. Toghiani, M. (2011). The Effectiveness of Quality of Life Therapy on mental health, vitality and mental well-being of adolescent boys. Master's thesis of clinical psychology: Isfahan University.